

## بررسی ارتباط سبک های فرزند پروری مادران با پرخاشگری کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله شهر تالش

طیبه کوهی گیلوانی<sup>۱</sup>، ساره شاکریان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد آموزش جامعه نگر علوم سلامت، گروه آموزش جامعه نگر، دانشکده مجازی آموزش پزشکی و مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> متخصص پزشکی اجتماعی، استادیار، گروه آموزش جامعه نگر علوم سلامت، دانشکده مجازی آموزش پزشکی و مدیریت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

### چکیده

**مقدمه و هدف:** پرخاشگری یکی از شایع ترین مشکلات کودکان و نوجوانان و از دلایل مهم ارجاع آنان به مراکز مشاوره و روان درمانی است. پرخاشگری سهم بسزایی در ایجاد اختلال رفتاری در کودکان دارد و نقش سبک فرزند پروری در ایجاد و یا کاهش این اختلال غیر قابل انکار است. **روش کار:** مطالعه حاضر با روش توصیفی همبستگی در سال ۱۳۹۸ در مدارس ابتدایی شهر تالش انجام گردید. ۳۳۴ دانش آموز با روش نمونه گیری طبقه ای چند مرحله ای انتخاب و در مطالعه مشارکت نمودند. داده ها بوسیله پرسشنامه های استاندارد فرزند پروری بامریند و پرخاشگری باس و پری جمع آوری گردید. شاخص های توصیفی، آنالیز واریانس و رگرسیون خطی جهت تحلیل داده ها با استفاده از نسخه ۲۵ نرم افزار آماری SPSS محاسبه گردید. **یافته ها:** بیشتر مشارکت کنندگان فرزند اول خانواده بودند. سبک فرزند پروری (۹۱ درصد) اقتدار منطقی، (۸۳ درصد) آمرانه و (۷ درصد) آزادگذاری به دست آمد، توزیع میانگین نمره کلی پرخاشگری ۷۶٫۳۱ و در بین سازه ها، بیشترین نمره، بدنی ۲۳٫۰۴ و کمترین کلامی ۱۴٫۰۲ بود. یافته های حاصل از آزمون کروسکال والیس، تفاوت معنی داری در میانگین نمرات پرخاشگری براساس سبک غالب فرزند پروری را نشان دادند. نتایج ضرایب رگرسیون خطی ساده و ضرایب تعیین، رابطه سازه آزادگذاری را با پرخاشگری معنی دار ( $p \text{ value} = 0.05$ ) نشان داد. **نتیجه گیری:** با توجه به اینکه امروزه نقش سنتی خانواده ها و اولیا در تربیت فرزندان تغییر یافته و عوامل متعدد دیگری از جمله جامعه، شبکه های اجتماعی و همسالان بخشی از نقش خانواده ها را برعهده گرفته اند، به نظر می رسد که می بایست نوع نگرش به مقوله فرزند پروری را تغییر داد.

**واژه های کلیدی:** سبک، فرزند پروری، پرخاشگری مادران

## مقدمه

پرخاشگری به رفتار آسیب رساندن جسمی و روحی به دیگران برای محافظت از خود، یا کسب حمایت اجتماعی تعریف می گردد. از نظر Rugen پرخاشگری به ایجاد خصومت برای رسیدن به اهداف مورد نظر است. پرخاشگری از چهار جنبه تشکیل شده است: پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت (۱). کودکان به عنوان یکی از گروه های سنی آسیب پذیر در معرض انواع مشکلات روانشناختی و رفتاری قرار دارند. یکی از شایعترین این مشکلات، پرخاشگری است. پرخاشگری دوران کودکی عامل پیش بینی کننده بزهکاری، افسردگی، افت تحصیلی و سوء مصرف مواد در سنین بالاتر است (۲،۳). نتایج مطالعات داخلی و خارجی شیوع پرخاشگری در کودکان را متفاوت و از ۸ تا ۲۰ درصد گزارش کرده اند (۳). میانگین هزینه هر بار پرخاشگری از ۵ تا ۵۵ دلار است (۴).

Moudgil R, Hofer J در مطالعه خود نشان داده اند؛ سبک های فرزند پروری و نوع رفتار والدین در خانواده به عنوان عوامل مرتبط و پیش گویی کننده رفتار پرخاشگرانه در کودکان و نوجوانان می باشند. ومداخله زود هنگام را به عنوان راه حلی جهت مقابله با کاهش تاثیرات این رفتارها در زندگی آینده کودکان و نوجوانان اشاره می کند (۷ و ۸). همچنین در مطالعات بسیاری نشان داده شد که سبک های فرزندپروری به عنوان عامل مهمی در سلامت و رفاه نوجوانان عمل می کند. سبک زندگی سالم نوجوان اغلب با سبک های فرزندپروری خانواده مرتبط است، زیرا هر دو از حوزه های سلامتی ناشی می شوند که مسئولیت سلامت و رشد افراد را از جنبه های روانی-آموزشی تعیین می کنند. همچنین مطالعات نشان داده اند، سبک های فرزند پروری با سوء مصرف مواد، داشتن روابط اجتماعی خوب، موفقیت تحصیلی و سازگاری روانی اجتماعی، انزوا، اضطراب، پرخاشگری، شکل گیری هویت کودکان و نوجوانان مرتبط است. چهار سبک فرزندپروری با توجه به این ابعاد: مقتدرانه، غفلت آمیز، سهل انگارانه و مستبد تعریف می شود. عبارت مقتدرانه برای سبک فرزندپروری استفاده می شود که سطوح بالای کنترل و یک اقدام را ترکیب می کند. سبک مقتدرانه والدین می تواند برای رشد طبیعی نوجوانان اثری محافظت کننده تر و مفیدتر در نظر گرفته شود که منجر به روابط خوب، موفقیت تحصیلی و سازگاری روانی اجتماعی مثبت می شود. والدینی که برای حل تعارض های خود سبک های خصمانه ای به کار می برند، فرزندان دارند که دارای نشانه های رفتار ضد اجتماعی تر هستند. و نتایج تحقیقات پژوهشگران بیانگر این است که والدینی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی فرزندانشان می کنند، دارای فرزندان هستند که کمتر به سمت رفتارهای پرخطر و نامناسب متمایل می شوند (۱۲-۷).

از آنجاییکه مطالعات فراوانی اثرات زیان بار پرخاشگری بر سلامت جسم و روان کودکان و نوجوانان را نشان داده اند و با توجه به این مهم که پژوهشها نشان داده اند که کودکان می توانند مهارت های کنترل خشم را فراگیرند و نوجوانی می تواند بهترین سن برای ارائه مداخلات کنترل خشم باشد (۱۱). و همچنین نمی توان این جمعیت فعال را نادیده گرفت، با توجه به اینکه مطالعات کمی بر روی مهارت فرزندپروری جهت کاهش میزان پرخاشگری در ایران انجام شده است و هیچ مطالعه ای در این زمینه در شهرستان تالش صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط مهارت فرزندپروری با پرخاشگری کودکان ۱۰-۱۲ شهرستان تالش طراحی و اجرا گردید.

## روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-همبستگی میباشد. که پس از هماهنگی با آموزش و پرورش و اخذ مجوزهای لازم و نیز پس از اخذ رضایت مادران و دانش آموزان با رعایت اصول اخلاقی در استان گیلان انجام گردید. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان ۱۰ تا ۱۲ ساله مدارس دوره دوم مقطع ابتدایی شهر تالش و مادران آنها می باشند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۷ شهر تالش دارای ۱۹۴۶ دانش آموز کلاس پنجم و ششم در سطح ۳۷ مدرسه در مقطع ابتدایی است که به تفکیک پسر و دختر شامل: ۴۴۲ پسر دانش آموز پایه پنجم، ۴۹۰ دختر دانش آموز پایه پنجم، ۵۱۳ پسر دانش آموز پایه ششم، ۵۰۱ دختر دانش آموز پایه ششم می باشند. نمونه گیری به شیوه تصادفی طبقه ای چندمرحله ای با در نظر

گرفتن پایه و جنسیت دانش آموزان انجام شد. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان با احتساب ریزش نمونه ها ۳۶۰ نفر تعیین گردید که با حذف پرسشنامه های ناقص در نهایت ۳۳۴ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه سبک فرزند پروری و پرخاشگری باس و پری (AQ) استفاده گردید. پرسشنامه سبک فرزند پروری، دارای ۳۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن به سبک آزادگذاری مطلق، ۱۰ سؤال به سبک آمرانه، و ۱۰ سؤال دیگر به سبک اقتدار منطقی والدین به امر پرورش فرزند، مربوط می شود. دینا بامریند از دانشگاه کالیفرنیا در ۱۹۷۳ مجموعه بررسی هایی انجام داد که طی آن الگویی از سبک فرزندپروری والدین مشخص شد. این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که براساس نظریه بامریند از سه الگوی آزادگذاری، آمرانه و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوی نفوذ و سبک فرزندپروری ساخته شده است.

روش نمره گذاری: این مقیاس از صفر تا ۴ نمره گذاری می شود و با جمع نمرات ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، آمرانه و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می آیند.

بینم (۱۳۷۹)، پایایی این پرسشنامه به روش بازآزمایی با ضرایب همبستگی ۰/۸۱، برای سهل گیرانه ۰/۸۵، برای آمرانه ۰/۹۲ و برای اقتدار منطقی گزارش کرده است. همچنین وی در مورد روایی پرسشنامه در پدران و مادران به تفکیک نتایج زیر را گزارش کرده است:

آمرانه بودن پدر با آزادگذاری ۰/۵۰ و با اقتدار منطقی ۰/۵۲ رابطه معکوس دارد. میزان پایایی این پرسشنامه در میان مادران به روش بازآزمایی ضرایب همبستگی ۰/۸۱، برای روش سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه آمرانه، ۰/۷۸ برای شیوه آزادمنش که نشانه بالا بودن میزان پایایی بوده است. بوری برای بررسی بیشتر میزان روایی پرسشنامه از روش افتراقی استفاده کرده است و نشان داد آمرانه بودن مادر رابطه عکس با سهل گیری (۰/۳۸-) و رفتار مردمی (۰/۴۸-) دارد (۱۲).

پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (AQ)، نسخه جدید پرسشنامه پرخاشگری که نسخه قبلی آن تحت عنوان پرسشنامه خصومت بود، توسط باس و پری (۱۹۹۲) مورد بازنگری قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است که شامل ۲۹ عبارت و چهار زیرمقیاس است، که عبارت است از پرخاشگری بدنی (PA)، پرخاشگری کلامی (VA)، خشم (A)، و خصومت (H)، آزمودنی ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه ای از: کاملاً شبیه من است (۲)، تا حدودی شبیه من است (۱)، نه شبیه من است نه شبیه من نیست (۱۶)، تا حدودی شبیه من نیست (۱۵)، تا به شدت شبیه من نیست (۱۴). دو عبارت ۹ و ۱۶ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. نمره کل برای پرخاشگری با مجموع نمرات زیرمقیاس ها بدست می آید. پرخاشگری بدنی، شامل ۹ عبارت، پرخاشگری کلامی، شامل ۵ عبارت، خشم، شامل ۷ عبارت، خصومت، شامل ۸ عبارت است. پرسشنامه پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب بازآزمایی برای چهار زیرمقیاس (با فاصله ۹ هفته) ۰/۸۰ تا ۰/۷۲ و همبستگی بین چهار زیرمقیاس ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ بدست آمده است. جهت سنجش اعتبار درونی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشانگر همسانی درونی زیر مقیاس پرخاشگری بدنی ۰/۸۲، پرخاشگری کلامی ۰/۸۱، خشم ۰/۸۳ و خصومت ۰/۸۰ بود (۱۳).

تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSSv21 انجام گردید. شاخص های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار، تعداد و درصد، به منظور بررسی ارتباط از ضرایب همبستگی پیرسون و ضریب تعیین، رگرسیون خطی ساده و جهت تفاوت اماری معنی دار در گروهها از آزمون فرضیه میانگینها استفاده گردید. از آزمون کولمگروف اسمیرنوف جهت بررسی توزیع نرمال سازه ها استفاده شد در صورت عدم توزیع نرمال از آزمونهای نان پارامتریک معادل استفاده گردید.

#### یافته ها

در مطالعه حاضر ۳۳۴ دانش آموز و مادران آنها مورد بررسی قرار گرفتند. از نظر رتبه تولد بیشتر دانش آموزان (۵۳،۶٪) ۱۷۹ مورد بررسی فرزند اول خانواده بودند میانگین سن پدران این دانش آموزان ۴۱،۳۵ سال با انحراف معیار ۵،۶۶ سال بود میانگین سن مادران این دانش آموزان ۳۸،۴ سال با انحراف معیار ۵،۹۵ سال بود. در بین مادران و همچنین پدران دانش آموزان

تحصیلات دیپلم بیشترین فراوانی را دارا بود. بیشترمادران مورد بررسی خانه دار بودند ودر بین پدران دانش آموزان بیشترین شغل مشاهده شده "آزاد" گزارش گردید.

جدول شماره ۱ وضعیت سازه های پرخاشگری را در کودکان نشان میدهد. یافته ها نشان دادند توزیع نمره سازه های پرخاشگری برای پرخاشگری بدنی ۲۳,۰۴، پرخاشگری کلامی ۱۴,۰۲، خشم برابر با ۱۸,۱۹، میانگین نمره خصومت برابر با ۲۰,۹۶ و میانگین نمره کلی پرخاشگری ۷۶,۳۱ بدست آمد. بیشترین میانگین نسبی در سازه پرخاشگری کلامی و کمترین نمره میانگین نسبی در سازه پرخاشگری بدنی وجود داشت (جدول ۱).

جدول شماره ۱: توزیع نمره سازه های پرخاشگری بر اساس پرسشنامه پرخاشگری باس و پری در..

ردیف	میانگین کلی	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میانگین (نسبت به ۵)
پرخاشگری بدنی	۲۳,۰۴	۶,۵۲	۹	۴۱	۲,۵۶
پرخاشگری کلامی	۱۴,۰۲	۴,۰۹	۵	۲۵	۲,۸۰
خشم	۱۸,۱۹	۵,۵۵	۷	۳۱	۲,۶۰
خصومت	۲۰,۹۶	۶,۴۸	۸	۳۸	۲,۶۲
کل	۷۶,۳۱	۱۷,۵۶	۳۳	۱۲۲	۲,۶۳

جدول شماره ۲: توزیع میانگین نمره شیوه فرزند پروری

ردیف	میانگین کلی	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میانگین (نسبت به ۴)
مقیاس آزاد گذاری	۱۳,۳۹	۴,۷۸	۰	۲۸	۱,۴۹
مقیاس آمرانه	۱۶,۹۰	۶,۹۰	۱	۳۸	۱,۶۹
مقیاس اقتدار منطقی	۳۲,۰۱	۴,۶۳	۶	۴۰	۳,۲

جدول شماره ۲ وضعیت سازه های فرزند پروری را نشان میدهد. در خصوص سبک های فرزند پروری بیشترین نمره را مقیاس اقتدار منطقی دارا بود.

به منظور بررسی تفاوت میانگین نمره پرخاشگری در شیوه های فرزند پروری به دلیل عدم توزیع نرمال داده ها، از آزمون کروسکال والیس استفاده گردید. یافته ها نشان دادند، تفاوت معنی داری در میانگین نمرات پرخاشگری براساس سبک غالب فرزند پروری وجود دارد

جدول شماره ۳. مقادیر ضرایب همبستگی و رگرسیونی رابطه بین میانگین نمره پرخاشگری کودکان و سبک های فرزند پروری

متغیرها	ضریب رگرسیونی ( $\beta$ )	ضریب تعیین ( $R^2$ )	p-value
آزاد گذاری	۰,۱۲۳	۰,۱۵	۰,۰۵۴
آمرانه	۰,۰۸۹	۰,۰۰۸	۰,۱۷۷
اقتدار منطقی	۰,۰۹۱	۰,۰۰۸	۰,۱۵۴

نتایج ضرایب رگرسیون خطی ساده و ضرایب تعیین، فقط رابطه مقیاس آزادگذاری را با پرخاشگری معنی دار ( $p < 0.05$ ) نشان داد. سایر سازه ها رابطه معنی داری نداشتند. (جدول ۳).

در بررسی سازه های پرخاشگری و سبک فرزند پروری ضرایب رگرسیونی در هیچ موردی معنی دار نشد. همچنین میانگین نمره پرخاشگری بدنی، کلامی، خشم، خصومت در سه سبک فرزند پروری تفاوت معنی دار آماری نداشت. شاید به دلیل ریزش نمونه ها در هر زیر سازه باشد (جدول ۴).

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تفاوت میانگین ها و ضرایب رگرسیونی (میزان پیشگویی کنندگی) سبک های فرزند پروری و سازه های پرخاشگری

p-value	ضرایب رگرسیونی	p-value	نوع و مقدار آماره آزمون-Kruskal- wallis	انحراف معیار	میانگین	
پرخاشگری بدنی						
۰,۸۱۱	۰,۰۱۴	۰,۷۲۹	۰,۶۳۳	۱,۴	۲۳	آزادگذاری
۰,۲۹۴	۰,۰۶۳			۷,۲	۲۴,۲	آمرانه
۰,۵۶۵	۰,۰۳۴			۶,۵	۲۳,۰	اقتدار منطقی
پرخاشگری کلامی						
۰,۱۲۴	۰,۰۹۰	۰,۲۹۳	۲,۴۶	۲,۱	۱۴,۵	آزادگذاری
۰,۲۸۴	۰,۰۶۴			۴,۱	۱۵,۲	آمرانه
۰,۸۳۱	۰,۰۱۲			۴,۱	۱۳,۹	اقتدار منطقی
خشم						
۰,۰۷۶	۰,۱۰۴	۰,۰۰۶	۵,۶۱	۲,۸	۱۲,۰	آزادگذاری
۰,۲۰۲	۰,۰۷۷			۵,۴	۱۹,۹	آمرانه
۰,۲۹۳	۰,۰۶۱			۵,۵	۱۸,۲	اقتدار منطقی
خصومت						
۰,۶۸۸	۰,۰۲۴	۰,۱۷۷	۳,۴۶	۲,۱	۱۴,۵	آزادگذاری
۰,۵۷۷	۰,۰۳۵			۶,۴	۲۲,۰	آمرانه
۰,۰۸۷	۰,۱۰۲			۶,۵	۲۰,۹	اقتدار منطقی

#### بحث و نتیجه گیری:

این مطالعه با هدف تعیین ارتباط سبک های فرزند پروری مادران با پرخاشگری کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله شهرستان تالش طراحی گردید در بررسی ما سبک فرزند پروری ۲۹۹ نفر (۹۱ درصد) اقتدار منطقی، ۲۷ نفر (۸,۳ درصد) آمرانه و ۲ نفر (۰,۷ درصد) آزادگذاری به دست آمد. در بررسی فرزانه یعقوبی راد و همکاران دردانش آموزان دختر و پسر شهر تهران سبک فرزند پروری ۵۰ درصد از والدین اقتدار منطقی، ۲۰ درصد آمرانه و ۳۰ درصد آزادگذاری گزارش گردید که پرورش فرزند به سبک اقتدار منطقی بسیار کمتر از تحقیق ما بوده است (۱۴).

در مطالعه مسعود نجاری و همکاران (۱۳۹۵) در بین کودکان پیش دبستانی بوکان ۷۹ درصد والدین از روش اقتدار منطقی، ۳ درصد از روش آمرانه و ۱۸ درصد از روش آزادگذاری استفاده می نمودند (۱۵). که در اینجا هم روش اقتدار منطقی کمتر از تحقیق ما بود.

از نظر میانگین نمره روشهای فرزند پروری در مطالعه ما میانگین نمره سبک فرزند پروری اقتدار منطقی ۳۲,۰۱، میانگین نمره مقیاس آمرانه ۱۶,۹۰ و میانگین نمره مقیاس آزادگذاری ۱۳,۳۹ بود.

در مطالعه سمیرا عباسی و همکاران در شهر اصفهان (۱۳۹۴) در مادران شاغل در مراکز بهداشتی: میانگین نمره اقتدار منطقی ۳۰,۱۱، میانگین نمره سبک آزادگذاری ۱۱,۵۶ بود (۱۶)، که مقادیر بدست آمده در آن بسیار به مطالعه ما نزدیک بود. مقادیر بدست آمده در خصوص سبک فرزند پروری اقتدار منطقی و آزاد گذاری در تحقیق ما میانگین نمره بالاتری را نسبت به این تحقیق نشان می دهد.

در مطالعه رضا گرجی و همکاران در شهر کرج میانگین نمره سبک فرزند پروری اقتدار منطقی در دختران ۴۰,۸ و در پسران ۳۹,۹۸ بود. میانگین نمره سبک فرزند پروری آمرانه در دختران ۶۳,۲۴ و در پسران ۲۳,۸۸ گزارش گردید، ضمن اینکه میانگین نمره سبک فرزند پروری آزادگذاری در دختران ۲۳,۵۸ و در پسران ۲۱,۹۵ گزارش گردید (۱۷). در مقایسه با تحقیق ما به نظر می رسد که میانگین نمره سبک فرزند پروری آمرانه در دختران بسیار بالاست البته این موضوع در مقام مقایسه با اکثر تحقیقات مشابه هم مقداری بالاتر را نشان می دهد.

در مطالعه ندا فراهینی و همکاران در دانش آموزان مدارس سمپاد تهران میانگین نمره سبک فرزند پروری اقتدار منطقی ۴۰,۹۱، میانگین نمره سبک فرزند پروری آمرانه ۲۲,۵۹ و میانگین نمره سبک فرزند پروری آزادگذاری ۲۶,۶ گزارش گردید (۱۸). در مقام مقایسه همان گونه که مشخص است میانگین نمره فرزند پروری اقتدار منطقی از مطالعه ما بیشتر است. در مورد بقیه سبک ها هم میانگین های بیشتری را در این مطالعه نسبت به مطالعه ما شاهد هستیم. در این بررسی، توزیع نمره سازه های پر خاشگری بر اساس پرسشنامه پر خاشگری باس و پری برای پر خاشگری بدنی ۲۳,۰۴، پر خاشگری کلامی ۱۴,۰۲، خشم برابر با ۱۸,۱۹، میانگین نمره خصومت برابر با ۲۰,۹۶ و میانگین نمره کلی پر خاشگری ۷۶,۳۱ بدست آمد (۱۸).

در مطالعه مژگان سجادی و همکاران با عنوان مقایسه پر خاشگری نوجوانان بر اساس سبکهای فرزند پروری والدین و سبکهای دلبستگی والد - فرزند میانگین نمره پر خاشگری ۷۷,۲۳ با انحراف معیار ۱۸,۰۹ بود (۱۹). که تقریباً با مقدار بدست آمده در تحقیق ما برابری می کند.

نکته قابل توجه هم در تحقیق ما و هم در بقیه تحقیقات این نکته است که در همه تحقیقات میانگین نمره سبک فرزند پروری اقتدار منطقی از بقیه سبک ها بیشتر است.

نتایج مطالعه حاضر، ضرایب رگرسیون خطی ساده و ضرایب تعیین، فقط رابطه مقیاس آزادگذاری را با پر خاشگری معنی دار ( $p \text{ value} = ۰,۰۵$ ) نشان داد. نتایج آزمون کروسکال والیس نیز در مطالعه حاضر نشان داد تفاوت معنی داری در میانگین کلی پر خاشگری بر اساس سبک غالب فرزند پروری وجود دارد.

ولی میانگین نمره زیر سازه های پر خاشگری بدنی، کلامی، خشم، خصومت در سه سبک فرزند پروری تفاوت معنی دار آماری نداشت. هم چنین ضرایب رگرسیونی در بررسی سازه های پر خاشگری و سبک فرزند پروری نیز در هیچ موردی معنی دار نشد. شاید به دلیل ریزش نمونه ها در هر زیر سازه باشد.

در تحقیق احد آهنگرانزایی و همکاران که بر روی دانش آموزان شهرستان شبستر صورت گرفت، بین سبک اقتدار منطقی و پر خاشگری رابطه معکوس و ضعیف بود ولی از نظر آماری رابطه معنی دار نبود. بین پر خاشگری و سبک آزادگذاری هم رابطه ناچیز و معکوس بود ولی معنی دار نبود. بین پر خاشگری و سبک فرزند پروری آمرانه هم رابطه معنی دار نبود و ضریب همبستگی ناچیز و مستقیم بین این دو وجود داشت. در این تحقیق هم مانند تحقیق ما بین نمره کلی پر خاشگری و سبک های متفاوت فرزند پروری رابطه ضعیف وجود داشت که از نظر آماری نیز معنی دار نبود (۱۶).

در مطالعه ترکش دوز و فرخ زاد که در تهران انجام شد. نتایج حاکی از آن است که بین اختلالات رفتاری و سبک های فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه ارتباط وجود دارد اما ارتباطی بین سبک فرزند پروری مقتدرانه و اختلالات رفتاری وجود نداشت (۲۱) که نتایج این مطالعه در خصوص سبک مقتدرانه با نتایج مطالعه ما هم خوانی داشت و در دو سبک دیگر با مطالعه ما متفاوت بود.

در تحقیق مجتبی امیری مجد و زهرا مرتضوی که در کودکان دبستانی شهر تهران صورت گرفت، بین پرخاشگری و سبک فرزند پروری اقتدار منطقی رابطه معنی دار و معکوسی وجود داشت. بین پرخاشگری و سبک فرزند پروری آزادگذاری هم رابطه آماری معنی دار و مثبتی وجود داشت اما بین پرخاشگری و سبک فرزند پروری آمرانه رابطه معنی دار آماری دیده نشد. وجه تشابه این مطالعه با مطالعه ما نداشتن رابطه آماری معنی دار بین پرخاشگری و سبک فرزند پروری آمرانه بود و در دو روش فرزند پروری دیگر اختلاف وجود داشت (۲۲).

اما اینکه در برخی پژوهش ها تأثیر هر کدام از اینها و سبک فرزند پروری مقتدرانه بر مشکلات رفتاری معنی دار نیست، شاید ناشی از تفاوت در نوع ابزار به کار گرفته شده و شرایط جمع آوری داده ها و یا نوع آزمونی باشد که در تجزیه و تحلیل داده های این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین اختلاف موجود را می توان به شرایط خانوادگی، فرهنگی، روانی اجتماعی حاکم بر زندگی کودک نیز نسبت داد. در بسیاری از مطالعات به ارتباط سبک سهلگیرانه و سبک مستبدانه با مشکلات رفتاری اشاره شده است. به نظر می رسد هر دو سبک فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه از سبک های تربیتی ناکارآمد باشند که هر کدام به نوبه خود باعث بروز مشکلات رفتاری و عاطفی مختلفی در کودکان می شوند.

نوع ارتباط والدین با یک دیگر و همچنین چگونگی تعامل آنها با فرزندان نیز می تواند در شکل گیری شخصیت فرزندان و نوع رفتار های آنان تأثیر داشته باشد (۲۳).

کن و همکاران (۲۰۰۳)، در مرکز والدگری و یکتورین واقع در ملبورن استرالیا بر روی ۵۸۹ مادر مشارکت کننده در برنامه فرزند پروری مثبت، نشان دادند، پیش از شروع آموزش ۴۵٪ از کودکان آنها به اختلالات رفتاری مبتلا بودند، پس از اجرای برنامه درمانی آموزشی، فقط ۱۲ درصد از کودکان درگیر مشکلات رفتاری بودند و بهبود قابل ملاحظه ای نیز در سبک والدگری، احساس صلاحیت، افسردگی، اضطراب و استرس و تعارض زوجها به وجود آمده بود (۲۴). مطالعه هالویچ و همکاران (۲۰۱۰)، نشان داد برنامه فرزند پروری مثبت در کاهش استرس والدگری و مشکلات رفتاری کودکان مؤثر است (۲۵).

مطالعه مورا سکا و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان داد فرزند پروری مثبت شواهد کارآمدی هم به عنوان روش درمانی برای جمعیت های بالینی و هم سطوح مداخله پیشگیری دارد و سبب کاهش چشمگیری در مشکلات رفتاری کودکان به طور پایدار می شود، همچنین پیامدهای والدگری مثل کاهش سبک های والدگری آشفته، افزایش کارآمدی والدگری و کاهش استرس آنان منجر می گردد (۲۶).

از محدودیت های این مطالعه می توان به موارد ذیل اشاره کرد: این بررسی در دانش آموزان ۱۰-۱۲ ساله مدارس مناطق شهری صورت گرفت. این مطالعه فقط سبک های فرزند پروری مادران در شهر تالش نشان داد. که با تعمیم جامعه مورد بررسی به سایر مناطق، گروه های سنی، پدران یا هر دو والد می توان ترسیمی از سیمای واقعی پرخاشگری و سبک های فرزند پروری را مشاهده کرد. نظر به پیچیدگی عوامل تاثیرگذار بر پرورش فرزندان در جهت جلوگیری از پرخاشگری تحقیقات بیشتری با در نظر گرفتن متغیر های دیگر تائی گذار مانند عوامل اجتماعی، بررسی نقش گروه هایی مانند همسالان، گروه های مجازی پیشنهاد می گردد.

نتایج مطالعه نشان داد که بین سبک های مختلف فرزند پروری و پرخاشگری رابطه معنی داری وجود ندارد. البته با توجه به اینکه امروزه نقش سنتی خانواده ها و اولیا در تربیت فرزندان تغییر یافته و عوامل متعدد دیگری از جمله جامعه، شبکه های اجتماعی و..... بخشی از نقش خانواده ها را برعهده گرفته اند، به نظر می رسد که می بایست نوع نگرش به مقوله فرزند پروری را تغییر داد. لزوم توجه به تغییرات رخ داده شده در قرن حاضر و تاثیر گذاری عوامل خارج از خانواده در پرورش فرزندان نشان

<sup>۱</sup>-Hallowicz

<sup>۲</sup>-Morasuka



می دهد که نگاه سنتی به نقش والدین در پرورش فرزندان را باید تغییر داد. جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته، نیاز به تحقیقات بیشتر در زمینه اندازه گیری نقش هریک از این عوامل را طلب می کند.

**قدردانی:** مقاله حاضر بر گرفته از پایان نامه در جه ارشد رشته آموزش جامعه نگر با کد اخلاق

IR.SBMU.SME.REC.1398.052

می باشد. نویسندگان مقاله مراتب قدر دانی و سپاس خود را، از دانش آموزان و مادران و مسئولان مدارس همکار جهت مشارکت صمیمانه آنها اعلام میدارند.

**تعارض منافع:** هیچ گونه تعارض منافی برای نویسندگان مقاله وجود ندارد.

#### منابع:

۱. Sakti MN, Alim S. The portrait of spiritual intelligence and aggressiveness of university students. Jurnal Psikologi Pendidikan dan Konseling: Jurnal Kajian Psikologi Pendidikan dan Bimbingan Konseling. 2019 Dec 29;5(2):120-6.
۲. Shirkosh.S;Mirzaei.M;evaluation of Aggression and socioeconomic factors associated in among pre schoolc hildren. 2014:90-98
۳. Tarshizi M;Saadat jo SA: The Prevalence of Aggression and Some Related Factors in Birjand Secondary School Students in 2010-2011Journal of Nursing and Midwifery Faculty Birjand University of Medical Sciences 2011-9 (4) 363-355
۴. Sharifirad GH. BahariA. Bazani M. Jalilian M .Rrlation between aggression and demographic charactristicin male high schoolstudent of Ilam zancoo magazine of medical sciences university in Kordestan:. (2015) w. 36-44(Text in Persian).
۵. Hofer J, Spengler B. How negative parenting might hamper identity development: spontaneous aggressiveness and personal belief in a just world. Self and Identity. 2020 Feb 17;19(2):117-39.
۶. Moudgil R, Moudgil N. Parenting styles and self-esteem as predictors of aggression. Indian Journal of Health & Wellbeing. 2017 Feb 1;8(2).
۷. Cucci G, O'Leary KD, Olivari MG, Bonanomi A, Confalonieri E. Adolescent dating violence perpetration, emotion dysregulation, and parenting styles. Journal of family psychology. 2019 Feb;33(1):12.
۸. Benchaya MC, Moreira T de C, Constant HMRM, Pereira NM, Freese L, Ferigolo M, et al. Role of Parenting Styles in Adolescent Substance Use Cessation: Results from a Brazilian Prospective Study. International Journal of Environmental Research and Public Health [Internet] 2019;16(18):3432. Available from: <http://dx.doi.org/10.3390/ijerph16183432>
۹. Marcone R, Affuso G, Borrone A. Parenting styles and children's internalizing-externalizing behavior: The mediating role of behavioral regulation. Current Psychology. 2020 Feb;39(1):13-24.
۱۰. Alonso-Stuyck P. Which Parenting Style Encourages Healthy Lifestyles in Teenage Children? Proposal for a Model of Integrative Parenting Styles. International Journal of



- Environmental Research and Public Health [Internet] 2019;16(11):2057. Available from: <http://dx.doi.org/10.3390/ijerph16112057>
۱۱. 11Foroghi M, Hoseini A, Kiani R, Jaefari S, Pedram P. The Effect of Education on Aggression among 12-14 Year-Old Boy Students Journal of Behavioral Sciences Pages 71-84
۱۲. Rezaei F: Investigating the Relationship between Parenting Styles with Quality of Life and the Need for Counseling to Improve Adolescent Status of Isfahan Correctional Center - Second National Conference on Counseling March 2011
۱۳. [Buss AH](#), [Perry M](#). The aggression questionnaire. [J Pers Soc Psychol](#). 1992;63(3):452-9.
۱۴. Yaghoubi Rad -F: Investigating the Relationship between Parenting Parenting Styles and Anxiety in Students - Family and Research Quarterly 22 #2015pp 111-127
۱۵. Najari M, Mofidi F, Borjali A. The Study of the Relationship between Parenting Style and Depression in Preschool Children in Bokan. Quarterly of Preschool Allameh Tabataba'i University and Elementary School Studies, Volume 2 Number 5, fall 2016, 1-16
۱۶. Abbasi S, Asgari Z, Mehrabi T. Relationships between parenting styles of women working in hospitals and preschooler's anxiety, isolation and aggression. 10 (2) 2015; 63-71
۱۷. Gorji R, Mahmoodi A. The Comparison between Parenting Styles and General Health in Parent who had Deaf or Mentally-Retarded Children. Exceptional Education 5 (113). 2012; ۱۵-۲۴
۱۸. Farahini N, Afroz GH, Rasolzadeh SK. The Relationship between Parenting Parenting Styles and Creativity with Gifted Creativity Journal of school psychology Vol.2, No.4, winter 2014, 137-153
۱۹. Sajadi M, Srabyan S, Sharifi P. Compare aggression in adolescents based on parent-child parenting skill and attachment styles/ Journal of Medical Council of Islamic Republic of Iran, Vol 31, No 4, Winter 2013, Page 298-306 (Text in Persian).
۲۰. Ahangaranzabi, A; Sharifidaramadi, P; Farajzadeh, R. Relation of parenting ways and nervous parents and adolescence in Shabastar- Journal of Cognitive and Behavioral Sciences, first year, n. 1, continuous (1), 2011. (Text in Persian)
۲۱. Tarkeshdooz Sh, Farokhzad P. The Relationship between Children Behavioral Disorders with Parenting Styles and Attachment Styles. Community Health. 2017;4(2):118-126.
۲۲. Amiri Majd M, Mortazavi, Z. The Relationship between Personality Traits and Maternal Parenting Styles with Aggression in Preschool Children. Sociology of Education No. 6 Spring & Summer 2018; 158-169
۲۳. Barkley, R.A., Guevremont, D.C., Anastopoulos, A.D & Fletcher, K.E. A Comparison of Three family conflicts in adolescents with Attention deficit Hyperactivity. Journal of consulting and clinical psychology, 1992. 60, 45-462
۲۴. Cann, W., Rogers, H. & Matthews, J. Family Intervention Services program evaluation: A brief report on initial outcomes for families. Australian e-Journal for the advancement of Mental Health, 2003, 2(3).
۲۵. Halweg, K., Heinrichs, N., & Naumann, S. Long-term outcome of a randomized Controlled universal prevention trial through a positive parenting program: is it worth the effort? Child & Adolescent psychiatry & Mental Health, 2010, (4)14.

۲۶. Morawska, A. & Ramadewi, M, & Sanders, M. Using Epidemiological survey Data of Examine factors in fluencing participation in paxent-Training programs available.2014, <http://www.pfsc.uq.edu.au>.